

تحلیل روایی سبک معاشرت اجتماعی در مهمانی و میزبانی

محمد اشرف*

محمد نظیر عرفانی**

چکیده

ضیافت و مهمانی، عملی است که نه تنها شرایطی مناسب برای پذیرایی مادی فراهم می‌آورد و آسایش را به دنبال دارد، بلکه به سبب مجالست، آرامش طرفین را موجب می‌شود. از همین رو در اسلام به مسئله مهمانی توجه ویژه‌ای شده است، نتایج تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با جمع‌آوری کتابخانه‌ای مطالب به تحلیل روایی سبک معاشرت اجتماعی در میهمانی و میزبانی پرداخته، حاکی از آن است که معصومین (ع) در روایات خویش تأکید فراوانی بر انجام این عمل توسط مؤمنین نموده‌اند که بخشی از اهمیت آن ناشی از ایجاد محبت، دوری از کینه و دشمنی، انجام صلح‌رحم، انفاق و یاری محرومین می‌باشد، روایات معصومین (ع) نشان می‌دهد که آنان به دو امر توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند: اکرام و پذیرایی شایسته از میهمان و مراعات و راحتی میزبان؛ به همین جهت در روایات مربوط به میهمان بر لزوم پذیرش دعوت، مراعات حال میزبان و جلوگیری از اسراف و شکم‌پرستی توسط میهمان تأکید شده و در کنار آن به میزبان تأکید شده است که علاوه بر استقبال از میهمان وی را گرمی داشته و از تکلف و ریا در میزبانی بپرهیزد.

واژگان کلیدی: روایت، معصومین، سبک معاشرت، اجتماع، مهمانی، میزبانی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)

ashraf1254184@gmail.com،

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه، mna8181@yahoo.com،

مقدمه

معاشرت اجتماعی و یادگیری آن به عنوان یکی از پایه‌های اصلی برقراری «ارتباط موفق» در جامعه محسوب می‌شود و فردی که به اصطلاح مبادی آداب باشد، به عنوان شخص موفق در ارتباطات از وی یاد می‌شود.

واژه «معاشرت اجتماعی» که از دو واژه اجتماع به معنی اشتراک، وفاق عمومی و شباهت زیستی گروهی می‌باشد و معاشرت نیز به معنای الفت، مصاحبت، همدمی، زندگانی با هم و نشست و برخاست تشکیل شده و دارای اصول و معیارهای قابل توجهی است که اگر آنها را رعایت نکنیم، نمی‌توانیم در روابطمان با دیگران موفق عمل کنیم، چرا که آداب معاشرت اجتماعی در همه جا اعم از پارک‌ها، کوچه و خیابان، مهمانی‌ها، محل کار، مدارس، دانشگاه‌ها و... به کار می‌آید. پس ضروری است تا هنگام معاشرت با دیگران (افراد غیر خانواده) به اصول آن توجه کنیم تا علاوه بر برقراری يك ارتباط «صحیح و موفق» جامعه‌ای پویا و سالم نیز داشته باشیم.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. سبک

واژه «سبک» در لغت نامه‌ها معانی گوناگونی ذکر شده است. «Style» از اصل لاتینی «Stilus» و فرانسوی قدیم «Stylus» است که به معنی اشیای نوک تیز فلزی (مانند نیزه و قلم حجاری) بوده است. در فرهنگنامه‌ها تعاریف مختلفی برای این واژه ذکر شده است از جمله: «نوع، روش، سبک چیدن اثاثیه»؛ «شکل دادن یا طراحی چیزی (مانند موی سر) یا شیء (مانند تکه‌ای از لباس یا اسباب و وسایل) تا به نظر جالب و جذاب آید، کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار»، «تطابق با معیار شناخته شده، شیوه‌ای که برازنده و مناسب پنداشته می‌شود، خصوصاً در رفتار اجتماعی؛ زیبایی، ظرافت یا سهولت؛ شیوه یا تکنیک». همچنین «شیوه و روش انجام چیزی خصوصاً شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره‌ای، نوعی باشد»، «اجرا یا انجام اموری که تمایز دهنده فرد یا گروه یا سطح یا... خاصی باشد» و «مُد، خصوصاً در پوشیدن» از دیگر معانی این واژه است.

در این معانی لغوی، چند نکته قابل توجه است: اول اینکه، برخی بر ویژگی زیبایی‌شناختی سبک، تکیه دارند و برخی بر جنبه‌ی تمایز بخشی سبک، به ویژه برای برتری و برخی دیگر از این تعاریف، تجسم امروزین سبک، به خصوص ابعاد تجملی زندگی را نشان می‌دهند؛ دوم آنکه

سبک، بیشتر جنبه شکلی، روشی و تکنیکی دارد. همان‌گونه که دیده می‌شود برخی معانی موجود در لغت نامه‌ها، بیشتر به کاربرد این واژه در سبک‌شناسی ادبی - و هنری اشاره دارند که رفته رفته در سایر حوزه‌ها نیز کاربرد یافته است.

شگفت آنکه واژه‌ی «سبک» در زبان عربی و فارسی، وضعیت مشابهی داشته است. این واژه در عربی از مصدر ثلاثی مجرد، به معنی «گداختن و قالب‌گیر کردن زر و نقره» گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ذیل واژه). اما امروزه در زبان عربی از معادل «اسلوب» برای رساندن معنای سبک بهره می‌برند. در فارسی، این کلمه به معنای مورد نظر تا این اواخر کاربردی نداشته است، چنانکه اصل بحث سبک‌شناسی هم مربوط به دوره‌ی معاصر است. ملک الشعرای بهار، رضاقلی خان هدایت را اولین کسی می‌داند که این کلمه را در کتابش (مجمع الفصحاء) به معنی «روش» به کار برده است. (بهار، ۱۳۶۹، ج ۱)

۱-۲. معاشرت

معاشرت، واژه‌ای عربی برگرفته از عشره به معنای آمیختن و مصاحبت است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۰۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۳۷)

معاشرت در اصطلاح به معنای ارتباط، دوستی، رفت و آمد داشتن با کسی، گفت و شنیدکردن با هم (معین، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۲۱۲)، با هم زیستن، همدمی، رفاقت، با کسی زندگی کردن، خوردن و آشامیدن با هم و نشست و برخاست است. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۱۸۶۳۲)

بنابراین، معاشرت به طور کوتاه مدت و یا بلندمدت و در حد اعلا و یا اقل آن صورت می‌پذیرد و اختصاص به دور زمانی بلندمدت ندارد. بر این اساس، هرگونه روابط کوتاه مدت یا بلندمدت میان افراد یک جامعه می‌بایست در چارچوب قوانین و آدابی شکل گیرد تا این روابط و معاشرت، سالم اسلامی باشد.

خداوند در آیاتی از قرآن بر اهمیت و ارزش آموزش و عمل به آداب معاشرت توجه داده و از والدین خواسته تا آداب معاشرت را در حوزه رفتارهای اجتماعی در خانه و جامعه به فرزندان بیاموزند. (نور/ ۵۸ - ۵۹).

بنابراین همان‌گونه که خداوند معاشرت سالم و درست را از طریق پیامبران به مؤمنان و مردم می‌آموزد (انعام/ ۵۴؛ فصلت/ ۳۴؛ حجرات/ ۱-۵) همچنین بر والدین است که آداب درست را از



کودکی در محیط خانوادگی به کودکان خویش آموزش دهند. (لقمان/ آیات ۱۷ - ۱۹) تا شرایط جامعه‌پذیری و حضور کودکان در جامعه فراهم آید.

در ارزش و اهمیت آموزش آداب معاشرت همین بس که خداوند در مقام تعلیم و آموزش پیامبران (کهف/۲۲) و مؤمنان (انعام/ ۵۴؛ حجرات/ ۱- ۵) برآمده و خود اقدام به آموزش و پرورش ایشان نموده است تا این گونه بر ارزش و اهمیت آداب معاشرت تأکید کند. هر شهر یا کشوری دارای آداب رسوم خاصی می‌باشد که بنا به شرایط زندگی همان منطقه شکل گرفته است. اما به طور کلی در همه جای دنیا اصول و مبانی مشترکی برای اخلاق و رفتار آدم‌ها وجود دارد که توجه به آن‌ها در هر جامعه‌ای و بین هر ملتی موجب موفقیت در ارتباطات جمعی و آزمون‌های شخصیتی می‌شود.

با رعایت آداب و اصول معاشرتی و اجتماعی راحت‌تر می‌توان ارتباط اجتماعی موفق با دیگران برقرار کرد و امتیازاتی فراوانی از این رابطه به دست آورد. به عبارتی بهتر، رعایت این اصول یکی از دلایل تمایز فرد از دیگران است و در زمان انتخاب وی در موقعیت‌های مختلف مانند، ازدواج، شغل، سمت و مقام خاص، نفرت نمونه و برتر، این خصوصیت یکی از امتیازهای مهم برتری در این رقابت‌ها به حساب می‌آید و در هر رابطه‌ای مورد رضایت مخاطب قرار می‌گیرد.

۱-۳. سبک معاشرت

«سبک معاشرت» یا سبک زندگی در ادبیات موجود علوم اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید است. چنان که بعضاً پدیدار شدن «سبک معاشرت» را در زمره اختصاصات «جامعه مدرن متأخر» قلمداد کرده‌اند. در ادبیات جدید جامعه‌شناسی فرهنگ و مطالعات فرهنگی، سبک معاشرت یا زندگی اساساً امری متفاوت از فرهنگ البته نه غیر مرتبط با آن تعریف می‌شود. این تفکیک بیش از هر چیز به سبب نسبتی است که میان مفهوم سبک زندگی با گسترش فردیت و اخلاق فردگرایانه در جامعه جدید برقرار می‌شود.

فرهنگ مجموعه منسجمی از ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و آداب و رسوم است که فرد به واسطه دریافت و تطبیق خود با آنها امکان مشارکت در زندگی اجتماعی را می‌یابد. البته مواجهه فرد با فرهنگ لزوماً منفعلانه نیست. اما در نهایت فرهنگ مقوله‌ای فرا فردی و کلان باقی خواهد ماند. در مقابل، سبک زندگی در مفهوم جدید آن بیشتر محصولی از انسان فردیت یافته‌ای که آن را خلق می‌کند، قلمداد می‌شود. البته سبک زندگی نیز امری اجتماعی است. به تعبیری می‌توان آن را

تابلوی نقاشی «کولاژ»ی دانست که تکه پاره‌های به کار رفته در آن از متن زندگی اجتماعی فراهم می‌آید. اما نهایتاً نوع تلفیق و ترکیب آنها گویی چیزی است که انسان مابعد تجددی فردیت یافته بر حسب ذوق و سلیقه خود آن را می‌سازد. البته این «ساخت» و سلیقه سازنده آن به شدت سیال، متغیّر و دلخواهی است. شاید این اصلی‌ترین تفاوتی است که مفهوم سبک زندگی با فرهنگ دارد: سبک زندگی مقوله‌ای اساساً سیال، لغزنده و غیرقطعی است.

۲. مهمان در آیات قرآن و سیره معصومان (ع)

۱-۲. مهمان در آیات قرآن

در آیه‌های ۸ و ۹ سوره انسان (دهر) که در شأن اهل بیت پیامبر (ص) (علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)) نازل شده است، خداوند در تمجید از مهمان‌نوازی می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِاتْرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا؛ آنان (خاندان رسالت) غذای خود را با آن که به آن علاقه و نیاز دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند (و می‌گویند): ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم» از این آیه چند مطلب فهمیده می‌شود:

۱. غذا دادن کار شایسته‌ای است، حتی هنگام نیاز و تنگدستی؛
۲. خاندان رسالت، همواره دارای این خصلت بودند؛
۳. به نیازمندان در مهمان‌نوازی خود توجه بیشتری داشتند؛
۴. غذارسانی را تنها برای خشنودی خدا و از روی اخلاص، انجام می‌دادند و در این مورد هیچ‌گونه منت و سپاس و چشم‌داشتی نداشتند.

نیز در قرآن می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاءً وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل خانه‌های پیامبر (ص) نشوید مگر آن که به شما برای صرف غذا اجازه داده شود؛ در حالی که (قبل از موعد نیایید و) در انتظار وقت غذا ننشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید؛ داخل شوید و وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید.» (احزاب/۵۳)

از این آیه که مربوط به آداب مهمانی است، چند مطلب فهمیده می‌شود:

۱. بدون اجازه (و دعوت قبلی) برای صرف غذا داخل خانه میزبان نشوید.

۲. پس از دعوت، قبل از رسیدن وقت مهمانی، وارد خانه‌ی میزبان نشوید.
۳. هنگامی که وقت غذا خوردن فرا رسید، مهمانان را منتظر نگذارید.
۴. پس از غذا خوردن، برخیزید و بروید و برای صحبت و سخن ننشینید.

نیز در قرآن می‌خوانیم:

«فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ * فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ * فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَنْخَفْ وَبَشِّرْهُ بَبُغْلَامٍ عَلِيمٍ؛ ابراهیم (پس از ورود مهمانان) به طور پنهانی به سوی خانواده‌ی خود رفت و گوساله‌ی فربه (و بریان شده‌ای را) آورد و نزد آنان گذارد (ولی با تعجب دید که آنان دست به غذا نمی‌برند) گفت: «آیا شما غذا نمی‌خورید؟» و از آنان احساس وحشت کرد؛ گفتند: «ترس!» (ما رسولان و فرشتگان پروردگار توایم) و او را به پسری دانا بشارت دادند.» (ذاریات/۲۶-۲۸)

از این آیات چنین استفاده می‌شود:

۱. ابراهیم مهمان‌نواز سخاوتمندی بود که بی‌درنگ گوساله‌ی چاقی را برای مهمانان ناشناخته بریان کرد و پیش آنان نهاد.
۲. وقتی که مهمانان (از این رو که فرشته بودند و غذا نمی‌خوردند) از غذا نخوردند، ابراهیم از آنان ترسید؛ زیرا هرگاه کسی از غذای دیگری بخورد، طبق مثال معروف «نان و نمک او را خورده است»، آزاری به او نمی‌رساند؛ ولی اگر از غذا نخورد، احتمال آزار رسانی او می‌رود، از این رو، ابراهیم (ع) ترسید؛ اما آنان گفتند: «ترس» و همان هنگام خود را معرفی کردند که برای چه مأموریتی آمده‌اند.

۲-۲. مهمان در سیره پیامبر (ص)

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مهمان‌دوستی و مهمان‌نوازی را از تفضلات خداوند به بندگان خاصش دانسته، فرمودند کسی جز مؤمن پرهیزگار پذیرایی از میهمان را دوست ندارد و از او پذیرایی نمی‌کند. (عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، تحقیق عبد الرحیم ربانی شیرازی، ج ۲۴، ص ۲۷۹) نقل است روزی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر مردی گذر کرد که صاحب گاو و شتر بود و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را میهمان نکرد؛ اما بر زنی عبور کرد که تنها چند بره داشت، او یکی از بره‌ها را برای رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سر برید.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اصحاب فرمودند به این دو نفر بنگرید به راستی که این قبیل خصلت‌ها دست خداست هر کس را که بخواهد خوی نیک دهد می‌دهد. (کاشانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۳۲)

میهمان‌نوازی و پذیرایی از میهمان از خصائص و ویژگی‌هایی است که در سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از میهمان، به‌عنوان راهنمای راه بهشت یاد کرده، (شعیری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۶) او (میهمان) را هدیه ارزشمند الهی معرفی کرده‌اند، ایشان فرمودند: «هرگاه خداوند اراده خیری به قومی بکند به سوی هدیه می‌فرستد» گفتند: «آن هدیه چیست؟» فرمود: «میهمان؛ میهمانی که روزی را نازل می‌کند و گناه اهل خانه را می‌برد» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۲۶۷) هم از ایشان (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت شده که فرمودند: «مادامی که امتم دوستی خود را بر یکدیگر آشکار کنند و امانت را ادا کنند و از حرام خدا پرهیز کرده و از میهمان پذیرایی کنند و نماز را به پا دارند و زکات دهند خیر و برکت از ایشان گرفته نمی‌شود و اگر جز این باشد به قحطی و خشک‌سالی مبتلا می‌شوند.» (حر عاملی، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۲۵۴)

ایشان پذیرایی از میهمان را از کفارات گناه مؤمن برشمرده؛ (کاشانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۳۲) بر آن تأکید می‌ورزیدند. نقل است که مردی به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عرض کرد: «پدر و مادرم فدایت برنامه زندگی‌ام این است که وضو را به طور کامل انجام می‌دهم، نماز می‌خوانم، زکات مالم را هم به موقع می‌پردازم و از میهمان با آغوش باز و به خاطر خدا پذیرایی می‌کنم.» حضرت فرمود: «آفرین آفرین آفرین بر تو باد جهنم راهی به سوی تو ندارد اگر چنین باشی خداوند تو را از هرگونه بخل پاک ساخته است.» (حر عاملی، ۱۴۰۵، ج ۲۴، ص ۲۸۰).

از جمله دلایلی که بعضی از مردم را از پذیرفتن میهمان باز داشته و فرارشان را از پذیرش مهمان باعث شده، ترس از مخارج مهمانی است؛ اما رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مهمان را موجب خیر و برکت معرفی کردند و فرمودند: «خانه‌ای که در آن اطعام می‌شود خیر و برکت سریعتر از فرورفتن تیغ در کوهان شتر، به آن می‌رسد.» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۵۱)



۲-۳. مهمان در سیره حضرت علی (ع)

امام علی (ع) در مورد اکرام مهمان می‌فرماید: «مَنْ أَكْرَمَ الضَّيْفَ فَكَأَنَّمَا أَكْرَمَ سَبْعِينَ نَبِيًّا؛ کسی که مهمان را بزرگداشت و گرامی بدارد گویا هفتاد پیغمبر را گرامی داشته است.» (لنالی الأخبار، ج ۳، ص ۶۶) و در روایت دیگری حضرت می‌فرماید: «مَنْ أَكْرَمَ ضَيْفَهُ فَهُوَ مَعِيَ وَمَعَ إِبْرَاهِيمَ (ع) فِي الْجَنَّةِ؛ کسی که مهمان خود را گرامی بدارد جای او در بهشت در کنار من و ابراهیم پیغمبر (ع) خواهد بود.» (لنالی الأخبار، ج ۳، ص ۶۶)؛ اهمیت مهمان در نزد حضرت علی (ع) به گونه‌ای است که ایشان آن را موجب راه یافتن به بهشت دانسته‌اند: «الضَّيْفُ ذَلِيلُ الْجَنَّةِ وَمَنْ لَمْ يُكْرِمِ الضَّيْفَ فَلَيْسَ مِنِّي؛ مهمان، راهنما به سوی بهشت است. هر کس مهمان را حرمت و گرامی ندارد او پیرو من نیست.» (لنالی الاخبار، ج ۳، ص ۶۶) و نیز در مورد لزوم حفظ حرمت و جایگاه مهمان در خانه فرموده‌اند: «أَكْرِمِ ضَيْفَكَ وَإِنْ كَانَ حَقِيرًا وَقُمْ عَنِ مَجْلِسِكَ لِإِيَّتِكَ وَمُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ امِيرًا؛ مهمانت را گرامی بدار هر چند (به نظرت) حقیر و کوچک باشد و به احترام پدر و استادت از جا برخیز هر چند خود حاکم و فرمانروا باشی.» (فهرست غرر، ص ۲۱۱)

۲-۴. مهمان در سیره دیگر ائمه (ع)

امام جعفر صادق (ع) در مورد میهمان فرموده‌اند: «أَصْفُ بِطَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ مَنْ تُحِبُّهُ فِي اللَّهِ تَعَالَى؛ آن کسی که او را به خاطر خدای متعال دوست می‌داری در خورد و خوراکت مهمان و شریکش کن.» (بحار، ج ۷۵، ص ۴۶۱) همچنین ایشان در لزوم پذیرش دعوت چنین می‌فرماید: «مِنْ الْجَفَاءِ أَنْ يُدْعَى الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ؛ کسی که او را به مهمانی دعوت کنند و او اجابت نکند و یا اگر اجابت کرد از غذای میزبان نخورد این نشانه بی‌مهری و جفاکاری او است.» (بحار، ج ۷۴، ص ۱۷۴) در مورد آداب پذیرایی از مهمان حضرت می‌فرماید: «إِنَّ الزَّائِرَ إِذَا زَارَ الْمَزُورَ فَأَكَلَ مَعَهُ أَلْقَى عَنْهُ الْحِشْمَةَ وَإِذَا لَمْ يَأْكُلْ مَعَهُ يَنْقَبِضُ قَلِيلًا؛ مهمان زمانی که وارد خانه می‌شود اگر صاحب‌خانه با او هم غذا شود حُجْب و حیا را از بین می‌برد وگرنه، مهمان تا اندازه‌ای احساس گرفتگی و شرمندگی می‌کند.» (فروع کافی، ج ۶، ص ۲۸۶) امام زین العابدین (ع) نیز در مورد پذیرایی از مهمان فرموده‌اند: «مِنْ نِمَامِ الْمَرْوَةِ خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفَهُ؛ خدمت کردن به مهمان نشانه کمال فتوت و جوانمردی میزبان است.» (احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۱۰۸)

۳. سبک معاشرت اجتماعی مهمان در روایات

مهمان در قبال میزبان وظایفی دارد که به اختصار آنها را بر می‌شماریم:

۱-۳. پذیرش دعوت

از جمله حقوقی که مسلمانان به هم دارند، پذیرش دعوت یکدیگر است، حتی نباید مشکلاتی مانند دوری مسافت، مانع از اجابت دعوت شود. رسول خدا (ص) در این باره فرموده است: «از جمله حقوق لازم بر مؤمن بر مؤمن، اجابت دعوت اوست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۴۷) همچنین فرموده است:

امتم را سفارش می‌کنم که دعوت مسلمان را اجابت کنند، هر چند در فاصله دوری باشد؛ زیرا این امر جزو دین است. (همان)

۲-۳. نرفتن به مهمانی بدون دعوت

مهمانی رفتن مسلمان یا باید با دعوت میزبان باشد، یا اینکه به مناسبت خاصی باشد، مانند: صلہ‌رحم، دیدار دوستان و خویشان، زیارت و دیدار برادران، تبریک و شادباش، تسلیت و دلداری یا اصلاح امور. در غیر این صورت، باید از میزبان اجازه گرفت.

در واقع، کسی که بدون دعوت به مهمانی رود، از آبروی خود مایه می‌گذارد. رهنمودی است از رسول خدا (ص) که می‌فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى طَعَامٍ لَمْ يَدْعَ إِلَيْهِ فَقَدْ دَخَلَ سَارِقاً خَرَجَ مُعِيراً؛ هرکس بی دعوت، به طعامی رود، [چون] دزد به درون رود و ننگین به در آید.» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۸)

روایت کرده‌اند که حضرت رسول الله (ص)، هرگاه با جمعی به مهمانی می‌رفت، اگر کسی در بین آنها بود که به مهمانی دعوت نشده بود، نزدیک خانه میزبان که می‌رسیدند، به آن شخص می‌فرمود: «تو همین جا باش تا برای تو از میزبان اجازه بگیرم.» (طبرسی، ۱۴۱۴، ص ۲۲)

۳-۳. تعیین اولویت در پذیرش دعوت

از دیگر آداب مهمانی رفتن، رعایت اولویت در پذیرش دعوت هاست. البته بهتر است انسان دعوت مهمانی‌هایی را که از نظر شرعی مشکلی ندارد، بپذیرد و اگر می‌تواند، در آنها شرکت کند. اگر به هر علتی از جمله هم‌زمان برگزار شدن چندین مهمانی، شرکت در همه آنها برایش ممکن نیست، اولویت را در نظر بگیرد. البته بهتر است از کسی که نتوانسته است دعوت مهمانی اش را



اجابت کند، عذرخواهی کند و دلیل حضور نیافتنش را شرح دهد. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید:

وقتی دو کس تو را با هم دعوت کردند، دعوت کسی را که خانه اش نزدیک تر است، بپذیر؛ زیرا آن کس که خانه اش نزدیک تر است، در همسایگی مقدم است. همچنین اگر یکی زودتر دعوت کرده است، دعوت او را بپذیر. (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۲۹۱)

حتی بهتر است در دعوت افراد فقیر و ثروتمند، اولویت را به دعوت افراد فقیر بدهد. در آموزه های اسلامی آمده است که «در مهمانی، بین فقیر و غنی فرقی نگذارید، بلکه به فقیر زودتر وعده دهید». (نراقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۳۵)

۳-۴. نشستن در موضع دلخواه میزبان

از جمله آداب مهمان این است که چون داخل خانه میزبان شد، در جایی که میزبان از او درخواست می‌کند، بنشیند و از نشستن در صدر مجلس یا مقابل دری که زنان از آن رفت و آمد می‌کنند، خودداری کند. امام باقر(ع) در این باره می‌فرماید:

هرگاه یکی از شما به منزل برادر خود وارد شد، باید هر جا که صاحب خانه گفت، بنشیند؛ چون صاحب خانه به موقعیت خانه خود، آشناتر از مهمان است. (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۴۱)

۳-۵. نگرفتن روزه مستحبی در مهمانی

انسان مسلمان روزی که به مهمانی دعوت شده است، نباید بدون اجازه میزبان روزه مستحبی بگیرد. حتی اگر هم به طور اتفاقی بر میزبان وارد شده است و روزه مستحبی دارد، آن را عذر قرار ندهد. در آن حال اگر احساس می‌کند که میزبان با خوردن غذا یا میوه ای که برایش فراهم آورده است، خوش حال می‌شود، بهتر است افطار کند؛ چون ثواب افطار بیشتر از آن روزه است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومَنَّ تَطَوُّعًا إِلَّا بَأْذَنِهِمْ؛ هر که مهمان قومی شد، بدون اجازه آنها روزه مستحبی نگیرد». (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۸)

همچنین امام صادق (ع) فرموده است:

هر کس که روزه باشد و بر برادر دینی خود وارد شود، نگوید روزه هستم، بلکه باید افطار کند؛ چون خدا ثواب يك سال روزه را برای او می‌نویسد. (شیخ صدوق، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۸۶)

۳-۶. بزرگداشت نعمت خدا

بر مهمان است که در پذیرایی تابع باشد؛ یعنی هر چه را میزبان از نعمت های خداوند سر سفره فراهم آورده است، آن را گرامی دارد و تحقیر نکند. رسول خدا (ص) در این باره می فرماید: «در گنه کاری مهمانان همان بس که آنچه را میزبان فراهم می سازد، حقیر و ناچیز شمارند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۵۳)

بہتر است مهمان با خوردن بیشتر، میزبان را خوش حال کند و نعمت خدا را گرامی دارد. عبدالرحمان بن حجاج می گوید: در خانه امام صادق (ع) بودیم که برای ما مقداری برنج آوردند و ما عذر آوردیم. امام فرمود: «هرکس ما را بیشتر دوست دارد، بہتر و بیشتر نزد ما غذا می خورد». عبدالرحمان می گوید: پس جلو رفتیم و غذا خوردیم. امام فرمود: «حالا خوب شد». (فیض کاشانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۲)

۳-۷. مراعات حال میزبان

در فرهنگ دینی، مهمان، موجودی «پربرکت»، (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۷). «هدیه ای از سوی پروردگار، عامل افزایش رزق، سبب آمرزش گناہان» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۶۱). صاحب خانه و سبب نزول مغفرت الہی است. اینها همه در گفتار معصومان ۷ و آموزه های دینی وجود دارد، ولی نباید مهمانی رفتن ما سبب زحمت و رنجش صاحب خانه شود و او را بہ دردرس بیندازد.

بعضی افراد آمادگی پذیرش مهمان را ندارند یا شماری دیگر، وضع مالی مناسبی برای مهمان نوازی ندارند. بعضی از مردم نیز از نظر جا، منزل و امکانات پذیرایی آبرومندانہ از مهمان در تنگنا هستند. همچنین بعضی افراد شغل هایی دارند کہ مهمان، مزاحم وقت یا کارشان است. در چنین وضعیت هایی، مهمان باید حال میزبان را رعایت کند. برای مثال، سرزده بہ مهمانی نرود. میزبان را منتظر نگذارد. درباره کاستی های مهمانی گذشت داشته باشد. بہ موقع مهمانی را ترک کند. میزبان را بہ تکلف و زحمت نیندازد. از آوردن همراه خودداری کند و بیش از حد متعارف، مهمان کسی نباشد. رسول خدا (ص) می فرماید: «الضَّيْفَةُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ فَهُوَ صَدَقَةٌ وَعَلَى الصَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ؛ مهمانی سه روز است. هرچه بیشتر شد، صدقه است و مهمان باید پس از سه روز تغییر جا بدهد.» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۸)



همچنین می فرماید: مهمان تا دو شب اکرام و پذیرایی می شود. اگر شب سوم فرا رسید، دیگر او از اهل خانه به شمار می آید؛ هر چه که بود، می خورد. (حر عاملی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۴۵۶)

۳-۸. پرهیز از شکم پرستی

هدف فرد از شرکت در مهمانی باید اکرام برادر مؤمن و پیروی از سنت پیامبر خدا باشد، نه شکم پرستی (نراقی، ۱۳۷۱، ص ۴۳۵) و خوش گذرانی.

همچنین بهتر است ادب و نزاکت را در وارد شدن، نشستن، سخن گفتن و غذا خوردن رعایت کند و از شوخی های دور از ادب، خندیدن با صدای بلند، چشم چرانی، دراز کردن پا، پرخوری، پرگویی، غیبت و سخن چینی پرهیزد.

۴. سبک معاشرت اجتماعی در میزبانی

یکی از سنت های پسندیده اسلامی که بر آن بسیار تأکید شده است، مهمان دوستی یا میزبانی است و برای اینکه مهمان داری منشأ خیر و برکت باشد، آدابی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۴-۱. استقبال از مهمان

استقبال از مهمان و دست دادن از نخستین وظایف میزبان در برابر مهمان است. چنان که رسول خدا (ص) می فرماید: «هنگام ملاقات و نخستین برخورد، سلام کنید و دست بدهید تا گناهانتان ریخته شود». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۵۳).

در حقیقت، در اولین برخوردهاست که مهمان، میزان علاقه مندی میزبان را از ملاقات با خویش درک می کند. از این رو، برخورد اولیه هر اندازه با خوش رویی، گرمی و صمیمیت بیشتری همراه باشد، علاقه مندی مهمان به مهمانی بیشتر می شود.

۴-۲. گرمی داشتن مهمان

مهمان، عزیز و گرمی است. بنابراین، از هر گروه که باشد، پیر یا جوان، کوچک یا بزرگ، غریبه یا آشنا، ثروتمند یا فقیر، باید با او برخورد مناسبی شود؛ زیرا تا او مهمان است، محترم است. امام علی (ع) در این باره می فرماید: «أَكْرَمُ صَيْفِكَ وَ أَنْ كَانَ حَقِيرًا؛ مهمان خود را گرمی دار، اگر چه حقیر و کوچک باشد». (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۹)

سلمان فارسی می گوید: خدمت پیامبر رسیدم درحالی که حضرت بر بالشی تکیه داده بود. پیامبر آن را به عنوان احترام به من داد و فرمود: «ای سلمان، هر مسلمانی که برادر مسلمانش بر او وارد شود و جهت احترام برای او بالشی بگذارد، خدا او را می آمرزد». (طبرسی، ۱۴۱۴، ص ۲۰)

۳-۴. بزرگداشت نعمت خدا

از آداب میزبانی آن است که نباید هر آنچه را از نعمت های خداوند برای پذیرایی از مهمان فراهم آورده است، کم ارزش پندارد و با تعارف های دروغین مانند: «لایق شما نیست» یا «چیز قابل داری نیست»، نعمت های خداوند متعال را تحقیر کند. رسول خدا (ص) در این مورد می فرماید:

در گناه کاری انسان، همین بس که آنچه را برای برادرش در میزبانی آنان حاضر می کند، کم ارزش و ناچیز پندارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۵۳)

۴-۴. پرهیز از تکلف

پذیرایی از مهمان نباید برای میزبان، تکلف آور و مشقت بار باشد. در غیر این صورت، مهمان به جای رحمت، مایه زحمت خواهد بود. حدیثی از رسول خدا (ص) است که می فرماید: «لَا تَتَكَلَّفُوا الضَّيْفَ؛ برای مهمان تکلف مکنید.» (پابنده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۸) همچنین در جای دیگر می فرماید: «لَا يَتَكَلَّفَنَّ أَحَدٌ لَضَيْفِهِ مَا لَا يَقْدِرُ؛ هیچ کس نباید آنچه را قادر نیست، به زحمت، برای مهمان فراهم کند.» (همان)

نقل است که «مردی حضرت علی (ع) را به مهمانی دعوت کرد، او دعوت را به این شرط پذیرفت که صاحب خانه چیزی از بیرون تهیه نکند و مهمانی، فشار و ستمی را بر خانواده اش وارد نسازد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۵۱)

بهرتر است میزبانی بدون تکلف را از سلمان بیاموزیم. ابوانل می گوید: به اتفاق دوستی به خانه سلمان رفتیم. هنگام غذا، مقداری نمک و نان معمولی جلو ما گذاشت و گفت: اگر حضرت رسول (ص) از تکلف نهی نکرده بود، غذای بهتری فراهم می کردم. دوستم گفت: کاش همراه این نمک مقداری سعتر (آویشن) هم بود. سلمان رفت و ظرف آب خویش گرو نهاد و آن را تهیه کرد. وقتی غذا تمام شد، دوستم گفت: خدا را شکر که به روزی خدا قانع هستیم. سلمان گفت: اگر قانع بودی، الان ظرف آب من در گرو نبود. (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۵۲۵)



سلمان اهل تکلف نبود، ولی وقتی مهمان خواسته ای را بر زبان آورد، ناچار شد برای رضایت خاطر او آن را فراهم کند.

۴-۵. پرهیز از ریا و خودنمایی

میزبانی از مهمان نباید با انگیزه های ریاکارانه، حساب گرانه و مصلحت اندیشانه باشد. گاهی اصل مهمانی دادن، ریاکاری است. حتی نوع غذا دادن، محل اطعام و کیفیت سفره چیدن و دعوت مهمانی، تظاهر و خودنمایی است. همه این کارها نارواست و موجب هدر رفتن نعمت های الهی می شود و پی آمد آن، نارضایتی خداوند از میزبانی است.

پیامبر خدا(ص) فرموده است: هرکس از روی ریا و خودنمایی مهمانی دهد، در روز قیامت، خداوند همانند آن را از طعام های دوزخی به او می خوراند. (حر عاملی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۴۵۵)

۴-۶. میزبانی از فقیران و ثروتمندان

میزبان نباید مهمانی را فقط به افراد خاص نظیر ثروتمندان اختصاص دهد و دیگران را از آن محروم کند. او در مهمانی ها فقط باید رضایت خدا را در نظر بگیرد. رسول خدا(ص) می فرماید: «هرکس را که برای خدا دوست داری و به خاطر خدا مورد محبت توست، به مهمانی دعوت کن.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۴۲۵) همچنین می فرماید:

بدترین مهمانی ها آن است که ثروتمندان و بی نیازان به آن دعوت می شوند و گرسنگان از آن باز داشته می شوند. (متقی هندی، ۱۴۰۹، ق، ج ۷، ص ۴۴۹)

۴-۷. پرهیز از واداشتن مهمان به کار کردن

از دیگر آداب میزبانی، به زحمت نینداختن مهمان است. او باید تا آنجا که امکان دارد امور مهمانی را خودش انجام دهد. رسول خدا(ص) می فرماید: «سَخَافَةٌ بِالْمَرْءِ أَنْ يَسْتَعْدِمَ صَيْفَهُ؛ از سبک عقلی مرد آن است که مهمان خویش را به خدمت گیرد.» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۸)

شی امام رضا(ع) مهمان داشت. در میان صحبت، چراغ نقصی پیدا کرد. مهمان دستش را پیش آورد تا چراغ را درست کند. امام نگذاشت و خود این کار را انجام داد و فرمود: «إِنَّا قَوْمٌ لَأَنْتَعِدِمُ أَصْيَافَنَا؛ ما قومی نیستیم که مهمان را به خدمت گیریم.» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۸۳)

۴-۸. همراهی با مهمان در غذا خوردن

بهتر آن است که میزان هنگام پذیرایی از مهمان خود حضور داشته باشد و در خوردن غذا یا میوه و شیرینی او را همراهی کند تا او احساس غربت، تنهایی یا شرم نکند. رسول خدا(ص) می فرماید: «همراه مهمان غذا بخور؛ زیرا مهمان شرم دارد به تنهایی غذا بخورد». (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۸)

روایت کرده اند که هرگاه مهمانی به خانه رسول خدا ۹ می آمد، حضرت با او غذا می خورد و از سفره دست نمی کشید تا آنکه مهمان از غذا خوردن دست می کشید. (طباطبائی، ۱۳۷۷، ص ۶۷)

۴-۹. فراهم نکردن اسباب رفتن مهمان

میزبان نباید به گونه ای رفتار کند که به گمان مهمان، اسباب رفتنش را آماده می کند. برای مثال، ساک مهمان را ببندد، کفش هایش را جفت کند یا بگوید تشریف داشتید، بلکه باید به شیوه ای رفتار کند که نشانه تمایل میزبان به ماندن مهمان باشد، البته بدون تظاهر. پیشوایان معصوم: به دلیل علاقه به مهمان، هیچ گاه او را هنگام رفتن یاری نمی دادند. نقل شده است که مهمانانی نزد امام صادق (ع) آمدند و امام از ایشان پذیرایی کرد. وقتی قصد رفتن کردند، امام زاد و توشه راه و هدیه هایی به ایشان عطا کرد و به خدمت کاران خود فرمود از آنان کناره گیری کنند و کمکشان نکنند. آنگاه فرمود: «أَنَا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُعِينُ أَضْيَافَنَا عَلَى الرَّحَلَةِ مِنْ عِنْدَنَا؛ ما اهل بیت راضی نمی شویم که مهمان از نزد ما برود». (حر عاملی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۴۵۶)

۴-۱۰. بدرقه و مشایعت مهمان

بدرقه مهمان از آخرین وظایف میزبان است. بهتر است این کار تا در خروجی خانه باشد. رسول خدا(ص) فرموده است: «مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ؛ از حق مهمان، همراهی کردن با او تا در خروجی خانه است.» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۷) همچنین فرموده است: «از حقوق مهمان بر تو آن است که هنگام خروج از خانه بدرقه اش کنی.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۵۱)

نتیجه

مهمانی دادن و به مهمانی رفتن، سبب انس و الفت میان امت اسلامی شده، اتحاد و برادری را ایجاد می‌کند؛ از این رو، در دین اسلام توصیه‌های فراوانی به مهمانی دادن و دعوت از مهمان شده است. میزبان و مهمان دو طرف این رفتار اجتماعی‌اند و هر یک وظایفی در قبال دیگری دارد.

با توجه به تحلیل روایات و سیره معصومین در سبک معاشرت اجتماعی مربوط به میهمانی و میزبانی، نتایج حاصله حاکی از آن است که معصومین (ع) در روایات خویش تأکید فراوانی بر انجام این عمل توسط مؤمنین نموده‌اند که بخشی از اهمیت آن ناشی از ایجاد محبت، دوری از کینه و دشمنی، انجام صلح‌رحم، انفاق و یاری محرومین می‌باشد، در این راستا روایات معصومین (ع) نشان می‌دهد که آنان به دو امر توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند: اکرام و پذیرایی شایسته از میهمان و مراعات و راحتی میزبان.

به همین جهت شاهد هستیم که در روایات مربوط به میهمان بر لزوم پذیرش دعوت، مراعات حال میزبان و جلوگیری از اسراف و شکم‌پرستی توسط میهمان تأکید شده و در کنار آن به میزبان تأکید شده است که علاوه بر استقبال از میهمان وی را گرمی داشته و از تکلف و ریا در میزبانی بپرهیزد.

با توجه به روایات معصومین (ع) عمل به توصیه‌های اسلام درباره مهمانی و میزبانی، دل‌ها را به هم مهربان‌تر و صفا و صمیمیت را بیشتر می‌کند. بنابراین یکی از ضرورت‌های اخلاقی هر مسلمان، معاشرت داشتن با دیگران در پرتو مهمانی است و استحکام معاشرت‌ها در سایه رعایت نکات برگرفته از حقوق متقابل مهمان و میزبان است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تحقیق سهیل کیالی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، ترجمه: محمّد باقر کمره ای، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۴ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.
۵. آمدی، عبد الواحد بن محمد التمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، مترجم و شارح: هاشم رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۶. بهار، ملک الشعراء، سبک شناسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹ ش.
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموع سخنان و خطبه های حضرت رسول اکرم)، تصحیح و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمد امین شریعتی، اصفهان، خاتم الانبیاء، ۱۳۸۳ ش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسایل الشیعه، قم، موسسه آل البيت، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. ری شهری محمد محمدی، میزان الحکمة، مترجم: حمید رضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. صدوق، محمد بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۲ ق.
۱۳. طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، تحقیق علاء آل جعفر، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.

۱۶. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص)، سحرگاهان، ۱۴۱۹ ق.
۱۷. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم، ۱۴۲۸ ق.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، (بیروت): دارالفکر، (بی تا)
۲۰. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، بنیاد پژوهشهای اسلامی، قم ۱۳۸۴ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات دارالثقلین، قم ۱۳۹۰ ش.
۲۲. متقی هندی علی بن حسام الدین، کنز العُمال فی سنن الاقوال و الافعال، چاپ بکری حیانی و صفوة سقا، بیروت ۱۴۰۹ ق.
۲۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۲۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ پنجم، تهران امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. نراقی، احمد، معراج السعادة، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۱ ش.
۲۷. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.